

متن پرسش

بسم الله با عرض سلام خدمت استاد: بنده حقیر جنسیت مذکر است اما این شبهات در ذهنم آمده است! احادیثی در حلیة المتقین در مورد زنان دیدم که برایم سوال به وجود آورد: مثلاً احادیثی که اجازه می دهد که مرد در مقابل کنیز دیگری با کنیز دیگری نزدیکی کند؟ اما در مورد زن آزاده نباید چنین کاری انجام دهد! آیا تبعیض مورد رضایت اسلام است؟ و احادیث دیگر از همین قبیل! همچنین احادیث دیگری در مورد حقوق زن نسبت به مرد که به نظر میاد زنان یک دهم حقوق برعکس را هم ندارند! یا احادیث طوری مشورت با زنان را مطرح می کند که گویی اینان انسان نیستند ... (شما در معرفت نفس می فرمودید فقط بدن زن و مرد دارد حقیقت ما جنس ندارد) پس چطور این احادیث این چنین برداشت می شود؟! مطمئناً اسلام عیبی ندارد درک من و فهم من از احادیث کم است یا مشکل جای دیگری ست! متشکر می شوم اگر کمک کنید و یا منبع و کتابی معرفی کنید تا این شبهات برطرف شود. نمونه قسمتی از حلیة المتقین: در حدیث صحیح از امام محمد باقر علیه السلام منقول است: زنی آمد به خدمت حضرت رسول صلی الله علیه وآله وسلم و گفت: یا رسول الله صلی الله علیه وآله و سلم چیست حق شوهر بر زن؟ فرمود: لازم است که اطاعت شوهر بکند و نافرمانی او نکند، و از خانه او بی رخصت او تصدق نکند، و روزه سنت بی رخصت او ندارد و هر وقت اراده نزدیکی او کند مضایقه نکند، اگرچه بر پشت پالان شتر باشد، و از خانه او بی رخصت او بدر نرود، و اگر بی رخصت بدر برود ملائکه آسمان و زمین و ملائکه غضب و ملائکه رحمت، همه او را لعنت کنند تا به خانه برگردد. گفت: یا رسول الله! حق کی بر مرد از همه کس عظیم تر است؟ فرمود: حق پدر. گفت: حق کی بر زن از همه عظیم تر است؟ فرمود: حق شوهر. پرسید: من به شوهر آن قدر حق ندارم که او بر من دارد؟ فرمود: از صد تا یکی نه. آن زن گفت: قسم می خورم به آن خدایی که تو را به حقیقت فرستاده است، هرگز شوهر نکنم. در حدیث دیگر فرمود: هیچ چیز بی رخصت او به کسی ندهد و اگر بدهد، گناهِش برای زن است و ثوابش برای شوهر. و هیچ شب خوابد که شوهر از او خشنمک باشد. زن گفت: هر چند شوهر بر او ظلم کرده باشد؟ فرمود: بلی. حضرت صادق علیه السلام فرمود: هر زنی که شب به سر آورد و شوهر از او آزرده باشد، نمازش مقبول نباشد تا شوهر از او راضی باشد، و هر زنی که بوی خوش برای غیر شوهر بکند نمازش مقبول نیست تا آن بوی خوش را از خود بشوید. و فرمود: سه کس هستند که هیچ عمل ایشان به آسمان بالا نمی رود: غلام گریخته، زنی که شوهرش از او راضی نباشد و کسی که جامه خود را از روی تکبر، بلند آویخته باشد. امیر المؤمنین علیه السلام وصیت فرمود به امام حسن علیه السلام: زینهار! مشورت با زنان مکن، رأی ایشان ضعیف و عزم ایشان سست است.

و ایشان را پیوسته در پرده بدار و بیرون مفرست و تا توانی چنان کن که به غیر از تو مردی را نشناسند و به ایشان خدمتی به غیر آنچه متعلق به خودشان دارد مگذار، که این از برای حال ایشان و خشنودی ایشان و حسن و جمال ایشان بهتر است. زیرا که زن گل است خدمتکار نیست، و همچنین خودش را گرمی دار و سخنش را در حق دیگران قبول مکن و اختیار خود را بسیار به دست او مده. در حدیث معتبر از حضرت رسول صلی الله علیه وآله وسلم منقول است: زنان را در غرفه و بالاخانه جا مدهید و نوشتن به ایشان میاموزید و سوره یوسف را تعلیم ایشان مکنید و چرخ رشتن به یاد ایشان بدهید و سوره نور را به ایشان تعلیم کنید. حضرت رسول صلی الله علیه وآله وسلم نهی فرمود از آن که زنان را بر زین سوار کنند. و فرمود: در نیکی اطاعت زنان مکنید تا آن که به طمع نیفتد در امر کردن به شما به بدی ها، به خدا پناه برید از بدان ایشان، و از نیکانشان در حذر باشید. امام محمد باقر علیه السلام فرمود: رازی به ایشان مگویید و درباره خویشان شما آنچه گویند، اطاعت مکنید. امیر المؤمنین علیه السلام فرمود: مردی که کارهای او را زنی تدبیر کند ملعون است. حضرت رسول صلی الله علیه وآله وسلم چون اراده جنگ داشتند، با زنان خود مشورت می کردند و آنچه ایشان می گفتند خلاف آن می کردند. حضرت رسول صلی الله علیه وآله وسلم فرمود: هر که اطاعت زن خود بکند خدا او را سرنگون در جهنم اندازد. گفتند: یا رسول الله! این اطاعت کدام است؟ فرمود: از او رخصت بطلبد که برای رفتن به حمام ها و عروسی ها و عیدها و عزاها برود و او را رخصت بدهد و جامه های نازک از او طلبد که در بیرون بپوشد و شوهر برای او بگیرد. در حدیث دیگر فرمود: مثل چنین، مثل استخوان کج پهلوی است، اگر او را به حال خود می گذاری منتفع می شوی و اگر می خواهی راست کنی می شکند، پس صبر کن برناخوشی های ایشان. با عرض عذرخواهی به خاطر گرفتن وقت شما

متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: همچنان که در کتاب «زن؛ آن گونه که باید باشد» تأکید شده است، مطابق آیات قرآن برای رسیدن به حیات طیبه هیچ تفاوتی بین زن و مرد نیست و هر دو استعداد رسیدن به عالی ترین کمالات را دارند و از این جهت است که باید این گونه روایات را مطابق وضع تاریخی و اشارات خاصی که مد نظر روایت بوده است معنا کرد و نه به صورت مطلق. بدین معنا که در بسیاری موارد، منظور از «نساء» و عدم مشورت با آنها، شخصیت های شهوت زده و ترسو است نه مطلق زن به همان دلیل که ائمه «علیهم السلام» در نسبت با زنان کمال احترام و ارزش را داشته اند. موفق باشید